



عنوان:

بررسی مفاد قاعده لاضرر از حیث لزوم جبران خسارت در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

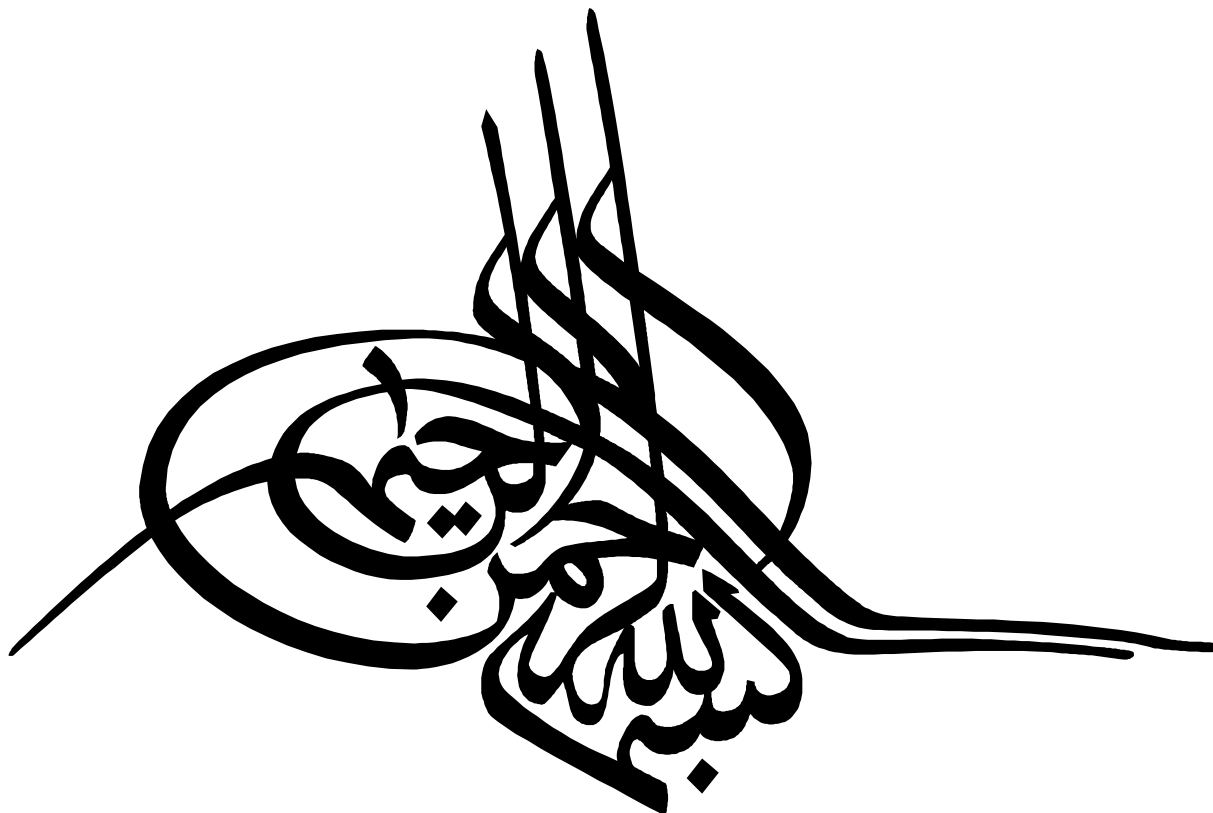
استاد راهنما :

جناب آقای دکتر اشکان نعیمی

نگارش:

اسماعیل رضایی

۱۳۹۸/۱۰/۱۷





فرم شماره ۸، تعهدنامه‌ی دانشجو برای اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به دانشگاه عدالت می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه عدالت، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **اسماعیل رحمانی** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **حقوق خصوصی** گرایش **حقوق خصوصی** دانشگاه عدالت به شماره‌ی دانشجویی **۹۴۱۴۱۱۱۰۸** که در تاریخ **۱۳۹۸/۱۰/۱۷** از پایان‌نامه تحصیلی خود تحت عنوان:

دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:


- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- (۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- (۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- (۵) در صورتی که قصد هرگونه بهره‌برداری به صورت‌های مختلف مانند کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و ... از پایان‌نامه خود داشته باشم، مجوزهای لازم را از حوزه پژوهش و فناوری دانشگاه عدالت، اخذ نمایم و این استفاده صرفاً به نام دانشگاه عدالت باشد و صراحتاً در مکاتبات و تولیدات اینجانب درج شود و بر اساس ضوابط دانشگاه عدالت اقدام نمایم.
- (۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه عدالت را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۷) در صورت استفاده از کمک‌های مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی از موضوع تحقیق اینجانب مراتب را کتباً به اداره کل پژوهش دانشگاه عدالت اطلاع دهم.
- (۸) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه عدالت را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید و نسبت به تصمیم اتخاذ شده هیچگونه ادعایی نداشته و حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایم.

امضا

تاریخ

۹۸/۱۰/۲۴

باسمه تعالی

فرم شماره ۵، صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد			
تاریخ	نام و نام خانوادگی دانش آموخته	اسماعیل رضایی	
شماره علمی	رایانامه شخصی	۴۴۲۰۲۹۶۴۴۵ erezaigo@gmail.com	

عنوان	بررسی معاد دایمر لاهنر از جهت لزوم جبر حارت در معاد دایمر حنوق ایران		
رشته تحصیلی	هنر و معماری	گرایش	هنر و معماری

هیئت داوران پس از شنیدن گزارش و دفاع دانشجو، پایان نامه وی را داورى و با نمره ... ۱۹،۲۵ ... نمره ...
آن را «عالی» / «بسیار خوب» / «خوب» / «پذیرفته نشده» / «ارزشیابی کرد»

سمت	نام و نام خانوادگی وابستگی سازمانی (پژوهشگاه / دانشگاه / ...)	رتبه علمی	شماره علمی رایانامه سازمانی	امضا
استاد راهنما	دکتر اشکان نصیری	استاد		
استاد راهنمای دوم				
استاد مشاور				
استاد مشاور				
استاد داور	دکتر صالح شرفی	استاد		
استاد داور				
استاد داور				

تأیید کارشناس آموزشی	نام و نام خانوادگی	امضا
تأیید ناظر مؤسسه	نام و نام خانوادگی	امضا
	سمت	
	معاون آموزشی و پژوهشی	



۹۸ / ۱۱۸۸۹

۱۳۹۸، ۱۰، ۱۸

تقدیم به:

روح پر فتوح امام راحل و شهدای انقلاب و اسلام، به ویژه شهدای مدافع حرم

همچنین تقدیم به پدر و مادرو همسر عزیزم که حرمتشان بر عهده‌ام لازم و واجب است.

سپاسگزاری:

تقدیر از اساتید گرانقدر که منت تعلیمشان بر دوشم نهاده شده است.

چکیده

قاعده لاضرر از جمله قواعد مهم و پرکاربرد در فقه است که البته به همان صورتی که در فقه مطرح شده است، به حقوق موضوعه نیز ورود پیدا کرده است. این قاعده مبنای بسیاری از احکام و قوانین حقوقی قرار گرفته و به جهت اهمیتی که دارد بر سایر قواعد مثل قاعده تسلیط نیز حکومت دارد. از اهمیت بالای قاعده لاضرر در متون فقهی و حقوقی، این نتیجه حاصل می‌شود که اسلام برای جامعه و نظم و عدالت در آن بسیار ارزش قائل است. قاعده لاضرر هم می‌تواند در پیشگیری از ورود ضرر به اشخاص دیگر، مفید واقع شود و هم می‌تواند پس از ایراد ضرر، در صدد رفع زیان و اعاده وضع به حالت سابق، نقش ایفا نماید. این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است و به دنبال واکاوی نقش قاعده لاضرر در جبران خسارت است.

واژگان کلیدی: لاضرر، جبران خسارت، زیان‌دیده، فقه، حقوق

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	مبحث اول: اطلاعات تحقیق
۲	طرح مسئله
۵	اهمیت تحقیق
۶	ضرورت تحقیق
۶	پیشینه تحقیق
۱۲	جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق
۱۳	اهداف مشخص تحقیق
۱۳	سؤالات تحقیق
۱۴	فرضیه‌های تحقیق
۱۴	روش‌شناسی تحقیق
۱۵	مبحث دوم: مبانی نظری
۱۵	گفتار اول: مفهوم قاعده لا ضرر
۱۶	بند اول: معنای لا
۱۷	بند دوم: معنای ضرر
۱۸	بند سوم: مفهوم لفظ ضرار
۲۰	گفتار دوم: مستندات قاعده لا ضرر
۲۰	بند اول: قرآن

۲۱	بند دوم: روایات.....
۲۴	بند سوم: عقل.....
۲۵	گفتار سوم: مبانی جبران خسارت در حقوق ایران.....
۲۵	بند اول: مبانی قانونی.....
۲۹	بند دوم: مبانی نظری.....
۳۰	الف) نظریه تقصیر.....
۳۳	ب) خطر.....
۳۶	ج) نظریه های مختلف.....
۳۹	فصل دوم: مفاد قاعده لاضرر و ارتباط آن با جبران خسارت
۴۰	مبحث اول: نظریات پیرامون مفاد لاضرر.....
۴۰	گفتار اول: نظریه نفی ضرر جبران شده (غیر متدارک).....
۴۳	گفتار دوم: نظریه نهی از وارد کردن ضرر به صورت حکم مولوی حکومتی.....
۴۷	گفتار سوم: نهی از وارد کردن ضرر به دیگری (یا به صورت مطلق حتی بر خویش).....
۴۹	گفتار چهارم: نفی حکم ضرری بوسیله نفی موضوع ضرری.....
۵۰	گفتار پنجم: نفی حکم ضرری.....
۵۲	مبحث دوم: موارد استناد به قاعده لاضرر برای جبران خسارت در فقه.....
۵۲	گفتار اول: تعارض با قاعده تسلیط.....
۵۳	گفتار دوم: تعارض با اضطرار، عسر و حرج.....
۵۴	گفتار سوم: حرمت و اباحه اضرار.....
۵۶	مبحث سوم: موارد مختلف ممنوعیت اضرار.....

گفتار اول: ممنوعیت اضرار در حقوق خانواده.....	۵۶
گفتار دوم: ممنوعیت اضرار به خود.....	۵۷
گفتار سوم: اضرار حکومتی.....	۵۸
مبحث چهارم: موارد استناد به لاضرر برای جبران خسارت در حقوق.....	۵۹
گفتار اول: قلمرو قاعده لاضرر در حقوق مربوط به اموال (مالکیت).....	۶۸
گفتار دوم: قلمرو قاعده لاضرر در حقوق قراردادها.....	۷۳
مبحث پنجم: شمول قاعده لاضرر بر احکام عدمی.....	۷۷
نتیجه‌گیری.....	۸۰
پیشنهادات.....	۸۲
منابع.....	۸۴
ضمائم.....	۸۷

فصل اول: کلیات و مفاهیم

مبحث اول: اطلاعات تحقیق

طرح مسئله

قاعده لاضرر از جمله قواعد فقهی است که کاربرد فراوانی نیز دارد. این قاعده از فقه به حقوق ایران راه یافته است و کم و بیش چهارچوب فقهی خود را در حقوق نیز حفظ نموده است. اصل این قاعده از روایتی که از رسول مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله) وارد شده، اخذ شده است. در این روایت حضرت فرموده‌اند: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام». (هیچ ضرر و ضراری در اسلام وجود ندارد). منظور از ضرر در این روایت، آن زیانی است که از جانب شخص ثالث به فردی وارد می‌شود و منظور از ضرار آن زیانی است که فرد به دیگری وارد می‌سازد. چنانچه بیان شد، این قاعده از قواعد مشهور فقهی است که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی به همراه دارد. در خصوص این قاعده فقهای امامیه در مباحث مختلف و برخی به صورت مستقل جنبه‌های مختلفی از آن را مورد دقت و بررسی قرار داده‌اند. اهمیت قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به اندازه‌ای است که در بیشتر ابواب فقهی از عبادات گرفته تا معاملات مورد استناد و استفاده قرار گرفته است. با توجه به اینکه امروزه، ورود خسارت و جبران آن از مسائل مبتلابه جامعه می‌باشد پس لزوم پرداختن به تمامی ابعاد و زوایای این مسئله امری بدیهی به نظر می‌آید.

اساساً قاعده لاضرر با مسئولیت مدنی همراه است. به این معنا که اگر فردی به دیگری خسارتی وارد نمود این امر برای وی، ایجاد مسئولیت مدنی می‌کند. مسئولیت مدنی بر مبنای قاعده لاضرر ایجاد می‌شود و

جوهره آن این است که فرد مسئول باید، خسارت ایراد شده را جبران کند. حال ایراد خسارت به دو صورت شکل می‌گیرد. این دو صورت سبب ایجاد دو نوع مسئولیت مدنی می‌شود که عبارتند از مسئولیت مدنی قراردادی و غیر قراردادی. مسئولیت مدنی قراردادی آن است که توسط عدم عمل به تعهدات قراردادی حاصل می‌شود و مسئولیت مدنی غیر قراردادی، هنگامی است که قرارداد در میان نیست، بلکه مسئولیت توسط مسائلی چون بی‌مبالاتی یا ناتوانی ایجاد می‌شود، مثل مسئولیت ناشی از تصادم رانندگی که برخی اوقات بر اثر بی‌مبالاتی یا بر اثر ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه، حادث می‌شود. حال در رابطه با مسئولیت قراردادی باید گفت، هنگامی که شخصی به موجب قرارداد متعهد به انجام فعل یا ترک فعلی می‌شود، اگر از انجام تعهدات خویش خوداری ورزد، طرف دیگر می‌تواند علیه وی اقامه دعوی کرده و خساراتی که بر اساس این نقض عهد به او وارد شده، را دریافت دارد یا اگر بر اساس فعل زیانبار دیگری خسارتی به او وارد شود، می‌تواند خسارات وارده را از فاعلان فعل زیانبار دریافت نماید. قاعده لاضرر هر دو شکل مسئولیت را شامل می‌شود. به واقع اصالتاً ایجاد مسئولیت مدنی از هر نوع که باشد، بر مبنای قاعده لاضرر است، بنابراین چه مسئولیت قراردادی باشد چه غیرقراردادی، بر اساس قاعده لاضرر می‌باید خسارت زیان‌دیده جبران شود. با این حال یک پرسش اساسی در رابطه با جبران خسارت ایجاد می‌شود و آن این است که آیا باید تمامی خسارت وارده جبران شود یا تنها آن قسمت از زیان که فرد مسئول مستقیماً در آن دخیل بوده باید جبران گردد؟ به عبارت دیگر گاهی اوقات ممکن است زیان‌دیده امکان پیشگیری از ورود خسارت بیشتر به خودش را داشته باشد اما به دلیل اهمال یا دلایل دیگر، از ورود خسارت بیشتر جلوگیری نکرده و میزان زیان وارده بیشتر شود. آیا در این مورد، عامل زیان می‌بایست تمام زیان را جبران

نماید یا اینکه مسئول آن قسمت از زیان که توسط اهمال زیان دیده وارد شده است، نیست؟ به عبارت دیگر هرگاه متعهد قراردادی، نقض تعهد کرده یا شخصی، خارج از تعهدات قراردادی، فعل زیانباری بر اموال یا جسم فرد دیگری وارد نماید، آیا متعهدله قرارداد یا شخصی که در معرض ورود ضرر قرار دارد، نیز وظیفه- ای در خصوص جلوگیری از ورود ضرر یا کاهش آن خسارت، دارد یا خیر؟ آیا اگر زیان دیده امکان ورود ضرر یا کاهش آن داشته باشد، می تواند تمام خساراتی را که به او وارد شده را مطالبه کند یا خیر؟ یا اینکه او هم وظایفی در این خصوص دارد و اگر می توانسته از ورود یا ازدیاد آن جلوگیری کند، نمی تواند تمام خسارات وارده را دریافت دارد؟ در این رابطه در فقه، قاعده ای وجود دارد با عنوان قاعده تقلیل خسارت.^۱ به موجب قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده باید از افزایش زیان وارد پیشگیری نماید و چنانچه از این امر خودداری کند، نمی تواند زیاده از زیانی که به طور مستقیم توسط عامل زیان وارد شده است، مطالبه نماید. این قاعده کم و بیش در دیگر نظام های حقوقی نیز مطرح می باشد. «در سیستم حقوق کامن لا قاعده ای به نام کاهش خسارت وجود دارد که بر اساس آن خواهان خسارت و یا زیان دیده و یا کسی که در معرض ورود خسارت قرار دارد، وظیفه مقابله با خسارات به خود را دارد.» (محقق داماد و جعفری خسروآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) حال بر اساس آنچه در ارتباط با قاعده تقلیل خسارت بیان شد، این نتیجه حاصل می شود که قاعده لاضرر بیشتر در پیشگیری از ورود خسارت نقش ایفا نماید تا جبران خسارت. به این تعبیر که قاعده لاضرر ابتدا افراد را از ایراد خسارت به سایرین نهی می کند. حال چنانچه علی رغم این نهی، ضرری به دیگری وارد

^۱ برای مطالعه بیشتر راجع به قاعده تقلیل خسارت رک:

خویی ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج دوم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم، ۱۴۲۸ ه. ق.

شیخ طوسی، خلاف، ج پنجم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.

شد، قاعده لاضرر ایجاب می‌کند که ضرر وارده جبران شود و در ادامه قواعد دیگر مثل قاعده تقلیل خسارت به کمک قاعده لاضرر آمده و شیوه جبران خسارت را دقیق‌تر بیان می‌کند. به این معنا که قاعده لاضرر می‌گوید، زیان وارده باید جبران شود. و قاعده تقلیل خسارت می‌گوید فقط آن خسارتی باید جبران شود که مستقیماً قابل انتساب به عامل زیان باشد نه آن زبانی که به موجب اهمال یا دیگر دلایلی که از جانب زیان‌دیده است، وارد شده. علی‌ای حال توسل به قاعده لاضرر از اصلی‌ترین و مهمترین راه‌های جبران خسارت به شمار می‌رود. در این پژوهش سعی بر آن است که نقش قاعده لاضرر از حیث لزوم جبران خسارت و تطبیق فقه امامیه و حقوق ایران به روشنی بررسی گردد.

اهمیت تحقیق

قاعده لاضرر از جمله قواعد اصلی و مبنایی در فقه است که در حقوق موضوعه نیز پایه و اساس بسیاری از قوانین، به ویژه قوانین راجع به مسئولیت مدنی قرار گرفته است و از آنجا که مبحث جبران خسارت، از مسائل مبتلابه در جامعه است و دعاوی زیادی در محاکم از این حیث مطرح می‌گردد، فلذا لزوم بررسی و واکاوی ابعاد مختلف آن از منظر فقهی و حقوقی، امری میرهن است. زیرا در بسیاری موارد مشکلات ایجاد شده چه در محاکم قضایی و چه در روابط روزمره افراد ناشی از ابهامات یا سوءفهم‌ها از این قاعده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پرداختن به جوانب و زوایای مختلف این موضوع در فقه و حقوق می‌باشد.

ضرورت تحقیق

امروزه جبران خسارت تحت عنوان مسئولیت مدنی، از مباحث مهم حقوق موضوعه و همچنین فقه اسلامی است. علاوه بر حقوق ایران در نظام‌های حقوقی دیگر نیز به این مسئله پرداخته شده است و هر نظامی بنا به مشرب خود، مبنایی برای مسئولیت مدنی و لزوم جبران خسارت، ارائه داده است. در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه ایران، مبنای اصلی این موضوع، قاعده لاضرر است. بنابراین ضرورت دارد که این قاعده به عنوان مبنای اصلی جبران خسارت مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

محمد خلیلی در تحقیقی تحت عنوان پایان‌نامه در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۰ موضوع بررسی زمینه‌های کاربردی قاعده لاضرر در قانون مدنی ایران همراه با تحلیل فقهی آن را اینگونه بررسی نموده است:

قاعده‌ی لاضرر از قواعد محکم فقهی است که در سرتاسر فقه جریان دارد. طبق این قاعده حکم ضرری در اسلام وجود ندارد. قانون مدنی ایران به عنوان ترجمان فقه امامیه سرتاسر آن ملهم از قاعده‌ی لاضرر است. زمینه‌های استناد به قاعده‌ی لاضرر در بخش‌های گوناگون قانون مدنی موجود است. مانند مباحث مالکیت و اموال، اختیارات، عقود معین، حقوق خانواده و غیره. این پایان‌نامه ضمن شناسایی این موارد و تحلیل آن براساس دیدگاه‌های فقهی مشهور، سعی دارد پیروی قانونگذار از فقه امامیه در حکومت

قاعده‌ی لاضرر بر قاعده تسلیط و شمول این قاعده بر عدمیات و همچنین نقش این قاعده در حل تعارضات حقوقی را به اثبات رساند. تحلیل مواضع قانونگذار ایران در مقام قانونگذاری و اینکه در موضوعات مرتبط به قاعده‌ی لاضرر کدام دیدگاه را اختیار و پیروی کرده است، به هر گونه تحلیل انتقادی و تصحیحی قانون کمک می‌کند و زمینه را برای اصلاح و تکمیل قانون فراهم می‌کند.

آزیتا اسدپور در تحقیقی تحت عنوان پایان‌نامه در دانشگاه پیام‌نور استان تهران در سال ۱۳۸۸ موضوع تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم را اینگونه بررسی نموده است:

خسارت معنوی یکی از مهمترین اقسام خسارت می باشد و مشمول این قاعده کلی است که « هر نوع خسارت نامشروع و نامتعارف باید توسط عامل ایجاد آن جبران گردد و هیچ ضرری بدون جبران باقی نمی ماند.» با توجه به اهمیت و جایگاه خسارت معنوی ناشی از جرم، می بینیم زمانی فرد زیان‌دیده از جرم متحمل خسارت مالی شده است به تبع آن جرم، شخصیت روحی و روانی او نیز آسیب می بیند. این ضرر و خسارت ناشی از جرم، منحصر به ضررهای مادی و مالی نیست و انسان گاه در برابر لطمات روحی نیز آسیب‌پذیر است. اگر چه این آسیبهای روحی گاهی توسط آسیب دیده بروز نمی‌یابد و در نتیجه این آسیب روز به روز اثرات روانی جبران‌ناپذیری بر فرد به جای می‌گذارد، بنابراین لازم است علاوه بر ضررهای مادی، ضررهای معنوی وارده به اشخاص (که گاه از ضررهای مادی، تأثیر بیشتری دارد) نیز باید مورد حمایت قانون بوده و وارد کننده ضرر، ملزم به جبران آن شود. خسارت معنوی متوجه بعد معنوی شخصیت انسان از قبیل شرافت، کرامت، آزادی، شهرت و ... می شود. در شرع مقدس اسلام با توجه به

قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی السلام» ایراد هر گونه خسارت بطور مطلق نهی شده است. پس زیان دیده حق خواهد داشت جبران تمام زیان های مالی یا معنوی خود را از عامل زیان بخواهد و او ملزم به جبران زبانی است. به دلیل ماهیت غیر مادی و نامحسوس این نوع خسارت و عدم ارزیابی و تعیین میزان دقیق آن و فقدان یک ملاک و ضابطه مشخص برای سنجش میزان خسارت و ارتباط مستقیم با شخصیت و جایگاه اجتماعی اشخاص وارزش اجتماعی و کم سابقه بودن جبران مادی این خسارت ها، تمایل به مطالبه خسارت و جبران مالی این نوع خسارت ها کمتر وجود داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه های اخیر، محاکم ایران از رسیدگی و صدور حکم در خصوص جبران خسارت معنوی ناشی از جرم، علی الظاهر به جهت اینکه این موضوع در شریعت مقدس اسلام مبهم می باشد، خودداری می نمایند. سکوت گذاشتن موضوعی در اسلام، نمی تواند بمعنای عدم جواز آن باشد. ما مسائل بسیاری را ملاحظه می نماییم که در جوامع اسلامی قانونگذار آن را تجویز نموده، لیکن اسلام راجع به آن نظری نداشته است. می توان به استناد به قوانین موجود و یا احکام و نصوص شرعی و فقهی و نیز به حکم عقل تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم، رابه دو صورت مادی و مالی یا غیر مادی و یا با استفاده از هر دو طریق جبران کرد. در تعیین خسارات معنوی ناشی از جرم همواره باید میزان خسارت وارده با توجه به اوضاع و احوال متضرر از جرم تعیین و تقویم گردد. دیه بعنوان پیش بینی برخی از منافع مادی و معنوی اعضای جسم در حقوق اسلامی پیش بینی شده و این خود مبین جبران خسارت از طریق مالی است. در حقوق اسلام خسارت معنوی قابل جبران است و در موارد زیادی هم برای جبران آن چاره اندیشی شده است و در مواردی که شارع یا قانونگذار ساکت است، دادگاه باید بر اساس شرایط و اوضاع و احوال

حاکم و موقعیت زمان و مکان و استفاده از تجربه سیستم های حقوقی و دکترین حقوقی پاسخ مناسب را بدهد، در این میان نظرات و راهنمائیهای مراجع عالیقدر دینی نیز می تواند در تعیین خسارات معنوی ناشی از جرم، مراجع قانونی را مساعدت کند تا در امکان جبران اینگونه خسارات دیگر تردیدی نداشته باشند

مازیار بتولی در تحقیقی تحت عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در سال ۱۳۹۱ موضوع خسارات مستقیم و غیر مستقیم قابل مطالبه ناشی از فعل زیانبار در حقوق مدنی ایران و مقایسه آن با حقوق آمریکا را اینگونه بررسی نموده است:

محور بحث مسئولیت مدنی ضرر نارواست و مهمترین مبنای جبران ضرر در فقه و حقوق داخلی قاعده لاضرر است اما برای تعیین مرزهای مسئولیت وارد آورنده زیان اوصاف و شرایط گوناگونی مطرح شده که بر کلیات آن توافق نسبی میان دانشمندان وجود دارد اما در عمل به جزئیاتی برخورد می کنیم که لزوم تعریف دقیق از اوصاف مذکور را روشن می کند. یکی از این اوصاف مستقیم بودن خسارت است اما با توجه به اصول حقوقی و قوانین موضوعه و نیز با در نظر گرفتن اصول عدل و انصاف و نیز قاعده بسیار مهم لاضرر و با توجه به پیچیدگی های جامعه مدرن و حتی انسان مدرن چه خساراتی را می توان مستقیم شمرد و چه مرزی می توان برای مطالبه خسارات از وارد کننده ی زیان در نظر گرفت؟ توجه به روابط جدید بشری در هزاره ی سوم لازمه ی یک نظام حقوقی پویا و کاربردی است، لذا در نظام حقوقی کنونی می توانیم با استفاده جدید از ابزار های قدیم حقوقی مانند قواعد کاربردی فقهی و تفاسیر بروز از مواد

قانون مسئولیت مدنی و خصوصاً با در نظر گرفتن عرف و عادت به پیشرفت‌هایی که کشورهای صنعتی دنیا در تامین امنیت اقتصادی و روانی شهروندان دست یافته اند برسیم و با وسعت نظر با مسائلی همچون خسارت‌های مازاد بر دیه و خسارات معنوی، خسارات از کارافتادگی برخورد کنیم و ضمن در نظر گرفتن حقوق مسئول زیان به بازگرداندن حال زیان‌دیده به قبل توجه کنیم. همانگونه که می‌خوانیم در نظام حقوقی کشور آمریکا مساله ای بنام تقصیر اقتصادی برای تولیدکنندگان در نظر گرفته یا در حقوق داخلی مسئولیت کارفرما به سبب زیان کارگر را داریم که همگی الگوهای خوبی برای تفسیر جدیدی از بحث مستقیم بودن خسارات است.

مجتبی باقرزاده در تحقیقی تحت عنوان پایان‌نامه در دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۷۷ موضوع شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد را اینگونه بررسی نموده است:

گردهم آمدن انسانها در چهارچوب جوامع بشری در عین آنکه زمینه را برای تاسیس تمدن‌ها و پیشرفت فرهنگ فراهم نمود باعث بروز تزاحماتی بین حقوق افراد گردید و اگر در گذشته منطبق و مکانیسم حاکم بر حل و فصل مشکلات ناشی از این پدیده ساده می‌نمود با صنعتی شدن جوامع جبران زیان‌هایی که از ثمرات زندگی ماشینی بود قواعد مسئولیت مدنی را ایجاد و رفته رفته کامل‌تر نمود. شرع اسلام در نخستین سال‌های حیات خود با طرح قاعده "لاضرر و لااضرار فی الاسلام" اصلی‌ترین ستون بنای آراسته مسئولیت مدنی را پایه‌ریزی کرد. این تحقیق ضمن پرداختن به جبران خسارت به عنوان غایت قواعد مسئولیت مدنی بر آن است شیوه‌های موثر و متناسب با شرایط امروزی جبران خسارت را مطالعه